

بازنمایی کودک کار در شعرهای «دودکش پاک‌کن» از ویلیام بلیک و «کودک کوزه‌گر» از پروین اعتصامی بر مبنای نظریه گفتمان و بازنمایی استوارت هال

فائزه عرب یوسف آبادی*

(<https://orcid.org/0000-0003-2691-4508>)

چکیده

این مقاله به بازنمایی مقایسه‌ای کودک کار در شعرهای «دودکش پاک‌کن» از ویلیام بلیک و «کودک کوزه‌گر» از پروین اعتصامی بر مبنای نظریه گفتمان و بازنمایی استوارت هال می‌پردازد. بازنمایی کودک در این اشعار سازوکاری گفتمانی برای تولید معنا و نقد اجتماعی است که از خلال موقعیت کودک، نسبت او با ساختارهای قدرت و نابرابری‌های اجتماعی او در آینه ادبیات منعکس می‌شود. روش تحقیق تحلیلی-توصیفی و مبتنی بر یادداشت‌برداری کتابخانه‌ای است. هدف پژوهش، بررسی نقش کودک به‌عنوان کانون تولید معنا و تحلیل شباهت‌های ساختاری و معناشناختی بازنمایی او در دو شعر بر مبنای مکتب امریکایی ادبیات تطبیقی است. تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که در هر دو شعر، کودک هم نماد آسیب و معصومیت و هم به‌عنوان سوژه دانایی افشاگر بحران‌های اخلاقی و اقتصادی جامعه است که با کار اجباری و محرومیت مالی، امکان بازنمایی نابرابری‌ها و نقد ساختارهای اجتماعی را فراهم می‌کند. نتایج پژوهش کارآمدی نظریه گفتمان و بازنمایی هال در تحلیل بازنمایی سوژه‌های حاشیه‌ای و تولید معنا در ادبیات کودک را به روشنی اثبات می‌کند.

واژه‌های کلیدی: دودکش پاک‌کن، ویلیام بلیک، کودک کوزه‌گر، پروین اعتصامی، نظریه گفتمان و بازنمایی، استوارت هال.

۱. مقدمه

در بسیاری از متون ادبی کودک به‌عنوان سوژه‌ای معنادار و گفتمانی حضور دارد. در این متون، کودک به جای مخاطب اثر، به‌مثابه ابزاری برای بازنمایی مناسبات قدرت، نابرابری‌های اجتماعی و تنش‌های اخلاقی عمل می‌کند. بررسی بازنمایی کودک در چنین اشعاری که مضامین اجتماعی دارند، می‌تواند دیدگاه‌های نوینی درباره ادبیات کودک ارائه کند؛ زیرا این بازنمایی‌ها نشان می‌دهند که ادبیات کودک فقط محدود به متونی برای مخاطب خردسال نمی‌شود و کودکان، حتی در متون با مخاطب بزرگسال، می‌توانند نقش محوری در تولید معنا و نقد اجتماعی داشته باشند و تجربه

*دانشیار، زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه زابل، ایمیل (نویسنده‌ی مسئول): famoarab@uoz.ac.ir

و وضعیت آن‌ها ساختارهای قدرت و نابرابری را آشکار سازد. در این متون، کودک به عنوان سوژه‌ای اجتماعی، آسیب‌پذیر و نمادین معرفی می‌شود و جایگاه او در متن، ابزار تولید معنا و نقد اجتماعی می‌شود.

ویلیام بلیک و پروین اعتصامی شاعرانی هستند که در خلق مباحث اجتماعی خود توجه ویژه‌ای به کودکان داشته‌اند و کودکان کار و محروم را به عنوان سوژه‌هایی اجتماعی و نمادین بازنمایی کرده‌اند. تمرکز ویلیام بلیک و پروین اعتصامی بر کودکان کار، کودک را آینه‌ای برای سنجش بحران‌ها و نابرابری‌ها در ادبیات قرار داده است. ویلیام بلیک دو شعر مستقل با عنوان «دودکش پاک‌کن» در دو مجموعه «آوازهای معصومیت»^۱ و «شعار تجربه»^۲ سروده است که هر یک بازنمایی متفاوتی از کودک کار ارائه می‌دهند؛ از این رو، در این پژوهش، هر دو نسخه به صورت تفکیک‌شده مورد تحلیل قرار می‌گیرند. حضور کودک در شعرهای «دودکش پاک‌کن» و «کودک کوزه‌گر» را باید حضوری دلالت‌مند دانست؛ حضوری که در پیوند با بافت تاریخی، گفتمان اخلاقی، و دستگاه معرفتی هر دو شاعر، کارکردی فراتر از بازنمایی عاطفی یا توصیف تغزلی می‌یابد. در این اشعار «کودک» هم به صورت مستقیم به عنوان کنشگر گفتار حضور دارد و از وضعیت خود روایتی به مخاطب ارائه می‌کند که باز هم کودک به گونه‌ای تمثیلی و استعاری در کانون نظام معنایی شعر قرار گیرد. تحلیل این نمونه‌ها با رویکردی هم‌سنگانه انجام می‌شود تا وجوه اشتراک و افتراق، نه در سطح مضمون‌های کلی، بلکه در سطح کارکردهای معرفتی و اخلاقی کودک آشکار گردد.

نظریه گفتمان و بازنمایی استوارت هال^۳، ابزار تحلیلی مناسبی برای بررسی این اشعار فراهم می‌کند؛ زیرا بازنمایی از منظر هال، به جای بازتاب ساده واقعیت، فرآیندی است که در آن معنا در تعامل با قدرت و دانش تولید می‌شود و به همین دلیل به خوبی قادر است تحلیل تطبیقی بازنمایی کودک در دو متن فرهنگی و تاریخی متفاوت را فراهم کند. از این منظر، کودک در شعرهای مورد مطالعه، سوژه‌ای حاشیه‌ای است که از طریق بازنمایی گفتمانی خود، نقش انتقادی و معنادرزانه پیدا می‌کند.

با توجه به این چارچوب، پژوهش حاضر به تحلیل تطبیقی بازنمایی کودک کار در شعرهای «دودکش پاک‌کن» و «کودک کوزه‌گر» بر مبنای مکتب امریکایی ادبیات تطبیقی می‌پردازد تا نشان دهد چگونه مولفه‌های گفتمانی بازنمایی کودک، شباهت‌های ساختاری و معناشناختی میان دو متن ادبی از دو جامعه متفاوت ایجاد می‌کنند. در پژوهش حاضر، بازنمایی کودک کار در دو متن مورد بررسی، در پیوند با شرایط تاریخی انگلستان در عصر انقلاب صنعتی و نیز بافت اجتماعی ایران در دوره معاصر پروین اعتصامی بررسی می‌شود تا تحلیل از سطح همسانی‌های صوری فراتر رود. پرسش اصلی پژوهش این است که با توجه به نظریه گفتمان و بازنمایی استوارت هال، کدام مولفه‌های گفتمانی بازنمایی کودک کار در شعرهای «دودکش پاک‌کن» و «کودک کوزه‌گر» بیشترین شباهت را دارند؟

با توجه به پرسش فوق هدف این پژوهش، تبیین کارکرد گفتمانی بازنمایی کودک در دو شعر مورد مطالعه و شناسایی شباهت‌های معناشناختی و ساختاری بازنمایی کودک کار بر اساس نظریه گفتمان و بازنمایی استوارت هال است. روش تحقیق در این مطالعه، تحلیلی توصیفی بر اساس یادداشت‌برداری کتابخانه‌ای بر مبنای مکتب امریکایی

¹ Songs of Innocence

² Songs of Experience

³ Stuart Hall

ادبیات تطبیقی است. داده‌های پژوهش از طریق مطالعه متن‌های شعری و استخراج مولفه‌های گفتمانی بازنمایی کودک جمع‌آوری و سپس به صورت تطبیقی تحلیل شدند. پژوهش بر پایه این فرضیه شکل گرفت که بازنمایی کودک کار در شعرهای «دودکش‌پاک‌کن» و «کودک کوزه‌گر»، علی‌رغم تفاوت‌های تاریخی و فرهنگی، از نظر ساختار و مضمون در هر دو متن مشابه هستند. هر دو شاعر، با برجسته‌سازی معصومیت وجودی کودک، او را به شاخصی برای سنجش سلامت یا بحران نظم اجتماعی و سوژه‌دانایی تبدیل می‌کنند.

۲. پیشینه تحقیق

درباره شعرهای مورد بررسی در این مقاله پژوهش‌های متعددی انجام شده است؛ به عنوان مثال درباره شعر «دودکش پاک‌کن» آفرین^۴ (۲۰۱۲) در مقاله «گفتار کودکان در شعر ویلیام بلیک: دودکش پاک‌کن»^۵ نشان می‌دهد که بلیک با تصویرسازی تضاد میان معصومیت کودک و سرمای بی‌رحم جامعه، نقش نهادهای مذهبی و دولتی را در طبیعی جلوه دادن این رنج افشا می‌کند. وانگ^۶ (۲۰۲۲) در مقاله «آشکارسازی واقعیت اجتماعی در شعر ویلیام بلیک»^۷ نشان می‌دهد که شعر بلیک، نابرابری طبقاتی، فساد مذهبی و محدودیت‌های اجتماعی را بازتاب می‌دهد و شکلی از مقاومت فرهنگی علیه استثمار را ارائه می‌کند.

در حوزه پژوهش‌های مربوط به شعر پروین اعتصامی، پیرانی (۱۴۰۳) در مقاله «شعر پروین اعتصامی از منظر درون فرهنگی و برون فرهنگی» نشان داده است که اشعار پروین با بازتاب جهان‌بینی و عناصر درون فرهنگی و برون فرهنگی، پیامهای اخلاقی و تربیتی را به مخاطب منتقل می‌کند. گیلانی و همکاران (۱۴۰۴) در مقاله «بررسی شاخصه‌های رشدیافتگی در شخصیت‌های حاضر در اشعار پروین اعتصامی» تأکید کردند که شخصیت‌های اشعار پروین بازتاب رشد انسان‌گرایانه و اخلاق اجتماعی هستند. فرهادی (۱۴۰۳) در مقاله «نگاهی به اشعار پروین اعتصامی از منظر مطالعات فرهنگی» بیان می‌کند که اشعار پروین ضمن پرداختن به مسائل اجتماعی، نقش فرهنگ و نقد قدرت را نیز منعکس می‌کند.

در حوزه تطبیق این دو شاعر، تنها منبع موجود از خادم (۱۳۹۱) است در مقاله‌ای با عنوان «رمانتیسم از انگلیس تا ایران: نگاهی به جلوه‌های مکتب رمانتیسم در شعر ویلیام بلیک و پروین اعتصامی» که نویسنده در آن مقایسه‌ای تحلیلی بین کل اشعار این دو شاعر انجام داده و به این نتیجه رسیده است که اختلافات فرهنگی مانعی در یافتن همسانی دورنمایه‌های اشعار این دو شاعر نیست و شباهت‌ها بیانگر یکی بودن وضعیت انسان در جهان است.

پیشینه فوق نشان می‌دهد که هیچ مقاله‌ای تاکنون بر مبنای نظریه استوارت هال به تطبیق این دو شعر بلیک و پروین پرداخته است. اغلب این مطالعات یا به تحلیل درون‌متنی آثار پرداخته‌اند یا به بررسی کلی دیدگاه‌های اجتماعی شاعران بسنده کرده‌اند. آنچه کمتر مورد توجه قرار گرفته، تحلیل تطبیقی بازنمایی کودک کار بر اساس یک چارچوب

4 Afrin

5 Discourse of Children in William Blake's Chimney Sweeper

6 Wang

7 The Revelation of Social Reality in the Poetry of William Blake

نظری مشخص و در پیوند با گفتمان‌های تاریخی است؛ از این رو، پژوهش حاضر می‌کوشد این خلأ را با تمرکز بر نظریه‌ی بازنمایی و تحلیل گفتمانی دو متن در دو بافت متفاوت جبران کند.

۳. بنیاد نظری

رویکردهای مربوط به گفتمان و بازنمایی در مطالعات فرهنگی، نتیجه‌ی شکل‌گیری مجموعه‌ای از تحولات فکری در نیمه دوم قرن بیستم است که از زبان‌شناسی ساختاری، نشانه‌شناسی و پس‌اساختارگرایی آغاز شد و به تدریج به صورت یک چارچوب انتقادی برای تحلیل فرهنگ و قدرت درآمد. در این مسیر، زبان‌شناسی فردینان دو سوسور^۸ با تأکید بر رابطه‌ی قراردادی میان دال و مدلول و نقش تفاوت در تولید معنا، بنیان اولیه‌ی فهم غیرذات‌گرایانه از معنا را فراهم کرد (Saussure, 1983: 67). سپس میشل فوکو^۹ با صورت‌بندی مفهوم گفتمان، نشان داد که دانش و حقیقت درون شبکه‌های قدرت تولید می‌شوند و هر نظام دانایی، هم‌زمان یک نظام قدرت است. (Foucault, 1972: 49) در ادامه، رولان بارت^{۱۰} با تحلیل اسطوره‌های فرهنگی، نشان داد که بازنمایی‌های فرهنگی حامل لایه‌های پنهان ایدئولوژیک هستند که طبعی‌سازی می‌شوند (Barthes, 1972: 142). این سه جریان فکری، زمینه اصلی شکل‌گیری نظریه‌ی بازنمایی در مطالعات فرهنگی را فراهم کردند.

استوارت هال این میراث نظری را مطالعه و با استفاده از آن چارچوبی جدید برای تحلیل فرهنگ معاصر ارائه کرد. او تحت تأثیر سنت مارکسیستی بازاندیشی‌شده قرار گرفت و ایده‌ی آنتونیو گرامشی^{۱۱} درباره‌ی هژمونی فرهنگی را در تحلیل رسانه و فرهنگ به کار گرفت و نشان داد که سلطه، علاوه بر اجبار، از طریق رضایت فرهنگی نیز بازتولید می‌شود. (Hall, 1996: 423) علاوه بر این در تأکید بر ناپایداری معنا و امکان چندگانگی تفسیر، تأثیر رویکردهای پس‌اساختارگراییانه نیز در کار او مشهود است. از مهم‌ترین آثار او در این حوزه مقاله «رمزگذاری و رمزگشایی»^{۱۲} است که در آن فرایند ارتباطی را به جای یک مسیر خطی، چرخه‌ی چندمرحله‌ای تولید و دریافت معنا معرفی کرد (Hall, 1980: 128). او همچنین در کتاب *بازنمایی: بازنمایی‌های فرهنگی و اعمال دلالت*^{۱۳}، توضیح داد که بازنمایی به جای انعکاس مستقیم واقعیت یک فرایند تولید معنا از طریق زبان و نشانه‌هاست. (Hall, 1997: 15)

نوآوری اصلی هال نسبت به پیشینیان در چند محور اساسی است. نخست، او برخلاف رویکردهای بازتابی، معنا را نه بازتاب جهان بیرونی، بلکه محصول روابط گفتمانی و تاریخی می‌داند. دوم، برخلاف ساختارگرایی کلاسیک، سوژه را یک عنصر ثابت نمی‌داند و آن را برساخته‌ای گفتمانی در درون نظام‌های معنا معرفی می‌کند. سوم، او با افزودن عنصر قدرت به تحلیل نشانه‌شناختی، نشان می‌دهد که بازنمایی همواره در میدان منازعه‌ی ایدئولوژیک شکل می‌گیرد و هیچ معنایی خنثی نیست. (Hall, 1997: 25) در مجموع، نظریه‌ی گفتمان و بازنمایی هال یک چارچوب تلفیقی است که در آن زبان، قدرت و ایدئولوژی به صورت هم‌زمان در تولید معنا نقش دارند. در این چارچوب، بازنمایی صرفاً ابزار

8 Ferdinand de Saussure

9 Michel Foucault

10 Roland Barthes

11 Antonio Gramsci

12 Encoding/Decoding

13 Representation: Cultural Representations and Signifying Practices